

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران
 Tel: 0049 1633458007
 E-mail: asangaran@aol.com
 مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
 Tel: 00358 405758250
 E-mail: abdolgolparian@yahoo.com
 همکاری سر دبیر: بهمن خانی
 E-mail: khani@live.nl

ایسکرا

۳۷۰

اساس سوسیالیسم
 انسان است.
 سوسیالیسم
 جنبش بازگرداندن
 اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۲۰ تیر ۱۳۸۶، ۱۱ ژوئیه ۲۰۰۷

سر دبیر: عبدال گلپریان abdolgolparian@yahoo.com

سنگسار، اعدام، زندان: رژیم اسلامی در وحشت از اعتراض مردم!

از اعدام" خط و نشان کشیده میشود؛ دستگیری ۱۶ نفر در جریان اعتراضات دیروز ۱۸ تیر تایید میشود. و در کنار این شو وحشت و رعب تلویزیونی، خبر میرسد که ۱۱ نفر از کارگران سنندج به جرم برپایی اول مه صفحه ۲

اوباش" و "متجاوزین به نوامیس مردم" اعلام میشود و تقاضای اعدام برای ۱۵ نفر دیگر اطلاع داده میشود؛ اعلام میشود که در جریان اعتراضات مردم به سهمیه بندی بنزین برای ۱۰۰ نفر از دستگیر شدگان پرونده تشکیل داده شده و برای تعدادی با "مجازات خفیف تر

روز سه شنبه ۱۹ تیر جمهوری اسلامی از زبان سخنگوی قوه قضاییه اش لیستی از اعدام و سنگسار و زندان را جلوی جامعه گذاشت: سنگسار يك مرد در تاختستان که قبلا تکذیب شده بود، حالا تایید میگردد؛ حکم قطعی اعدام ۲۰ نفر تحت عنوان "اراذل و

تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران مهم است

نکاتی در حاشیه سخنان ابراهیم علیزاده در یک سخنرانی

به غیر واقعی بودن این ارزیابی اشاره ای بکنم. علیزاده در ابتدای سخنانش میگوید: "اینها (منظورش جریان کمونیسم کارگری است که از حزب کمونیست ایران جدا شد) این گذشته را مال خودشان نمی دانستند".



عبدال گلپریان

این بیانات تحریف آشکاری است که ایشان غیر مسئولانه آنرا عنوان میکنند. حال باید این را مورد بررسی قرار داد که ارزیابی ایشان از "گذشته ای که اینها مال خودشان نمیدانستند" را چگونه باید مرور کرد؟

ابراهیم علیزاده اخیرا در یک سخنرانی در یکی از اردوگاههای کو مه له، به ارزیابی و توضیح بر سر پروسه شکل گیری از حزب کمونیست ایران و مسائل متعدد دیگری پرداخته است که لازم میدانم

صفحه ۲

به تداوم باز داشت محمود صالحی و محاکمه کارگران باز داشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج اعتراض کنیم

صفحه ۳

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

کارگران شاهو در روز ۱۶/۴/۱۳۸۶ دست به اعتصاب زدند

صفحه ۷

صفحه ۴

گزارشی از گلگت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

صفحه ۴

تظاهرات مردم مهاباد علیه سهمیه بندی بنزین

صفحه ۶

یازده نفر از کارگران باز داشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در سنندج محاکمه شدند

صفحه ۶

لقمان مهري به ۵ سال زندان محکوم شد

صفحه ۷

قطعه نامه مصوب گلگت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار

جمهوری اسلامی مکره ابراهیمی و جعفر کیانی را سنگسار کرد! دنیا باید بربریت را شدیداً محکوم کند!

صفحه ۸

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری: ادامه تلاش برای آزادی محمود صالحی

صفحه ۵

حزب کمونیست کارگری ایران

اعتراضات مردم به مناسبت ۱۸ تیر در تهران

صفحه ۸



آزادی، برابری، حکومت کارگری!

تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران . . .

از صفحه ۱

از بدو تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۶۲ تا سال ۷۰ یعنی یک تاریخ ۸ ساله را ایشان مورد نظرش است.

اما بگذارید ببینیم این گذشته ۸ ساله که آنرا "مال خودشان نمیدانند" چه مهری را بر خود دارد. این ۸ سال مملو از وقایع و رویدادهایی در عرصه مبارزات سیاسی، اجتماعی، طبقاتی، نظری و تئوری است که پرچمدار و خط دهند آن، منصور حکمت است.

این پروسه و این تاریخ شامل، تشکیل حزب کمونیست ایران (که زمینه های مقدماتی آن به قبل از سال ۶۱ بر میگردد)، برنامه حزب، اصول و سیاستهای ناظر بر فعالیت حزب در کردستان، خطوط سیاسی ناظر بر کار رادیوها، کوهی از آثار و ادبیات کمونیستی، و در یک کلام افق و اهداف حزب کمونیست ایران بعنوان ابزاری در خدمت طبقه کارگر و برای تحقق سوسیالیسم، از تلاشهای نزدیک به یک دهه منصور حکمت در حزب کمونیست ایران است. بازتاب سیاسی، اجتماعی و طبقاتی این خط، در همان دوران، حزب کمونیست ایران را بعنوان حزبی مطرح در سطح اجتماعی و تبدیل نمودن کومه له بعنوان سازمانی محبوب و با اتوریته در کردستان، همگی حاصل این تلاشهای منصور حکمت و فعالیت کمونیستهای بیشماری بود که در یک شرایط معین تاریخی (که از حوصله این نوشته خارج است)، حزب کمونیست ایران را بعنوان ظرف تحقق اهداف خود نمی دانستند و اقدام به ساختن حزب دیگری برای پاسخگویی به نیاز هایی کردند که برای گرایشات درون حزب کمونیست ایران موضوعیت نداشت. با توجه به این باید روشن باشد که این تاریخ و این گذشته به چه کسی یا کسانی تعلق دارد. اینها تلاش نزدیک به یک دهه منصور حکمت است که ابراهیم علیزاده بطور اختیاری میخواست آنرا قیچی کند.

در جای دیگری ایشان میگوید: کسی که از حزب کمونیست ایران رفته، هیچ پیوستگی با حزب کمونیست ایران ندارد و کسی که در

این حزب مانده است، این پیوستگی را حفظ کرده و می تواند صاحب آن تاریخ (برنامه، اهداف، سیاست، بحثهای مربوط به شوروی، بیانیه پایه ای مردم زحمتکش، سیاست سازماندهی کارگری) باشد.

بعدها به مقوله پیوستگی بر میگردد اما همین اندازه اشاره کنم که آثار، ادبیات، افق و اهداف نزدیک به یک دهه تلاش و فعالیت در حزب کمونیست ایران، هم اکنون بعنوان اسناد مکتوب شده در دسترس همگان وجود دارد. هر کدام از این اسناد، اسامی نویسنده و نظریه پرداز خود را بر پای آن به ثبت رسانده است. پراتیک منتج از این اهداف و سیاستها، مهر خود را بر مبارزات سیاسی، اجتماعی و طبقاتی آن دوره در جامعه کوبیده است. آنچه که جای سؤال است این است، چگونه کسی که خود را مارکسیست و کمونیست می داند، دچار یک چنین ارزیابی متافیزیکی از یک پروسه مادی و عینی در بررسی از تاریخ این حزب می گردد؟! آیا آثار و نوشته های کسی دیگر را میتوان ملك خود دانست؟ آیا بازتاب پراتیکی، اجتماعی و طبقاتی خط و نگرش کسی دیگر را می توان مال خود خواند؟ آیا میشود خود را صاحب همه اینها دانست بدون اینکه کوچکترین اثری از بکار بستن آنرا در دستور گذاشت؟ اینها همه سئوالاتی است که خارج از این بحث معین جواب مشخص خود را میطلبند. این تاریخ نه قابل مصادره کردن است و نه میتوان آنرا جعل کرد. بازتاب و انعکاس طبقاتی و اجتماعی آن دوران، برای هر ناظر بی طرفی قابل رویت است دلپذیرخواهی نمی توان آنرا به کسی بخشید و مصادره کرد.

پایین تر به دلائل بروز این ارزیابی اشاره خواهیم کرد اما این نوع بررسی از تاریخ، هیچگونه تقارنی حتی با تاریخ شناسی و تاریخ نگاری متعارف امروز ندارد چه رسد به متدلوژی مارکسیستی در بررسی سیر وقایع تاریخی.

ابراهیم علیزاده در بخش دیگری از سخنانش می گوید:

"حزب چگونه تشکیل شد، چه اتفاقی افتاد، روند چگونه بود، مهم نیست".

بر خلاف نظر ابراهیم علیزاده من فکر میکنم پروسه تشکیل حزب کمونیست ایران یک اتفاق مهم و تحولی در کمونیسم، مارکسیسم انقلابی و عروج مجدد مارکسیسم در تاریخ معاصر ایران است. اتفاقا پرداختن به آن خیلی هم مهم است. کسی که خود را با آن تاریخ پیوسته میداند و خود را صاحب آن تاریخ میدانند، باید چگونگی تشکیل حزب کمونیست ایران، چه اتفاقی افتاد و روند تشکیل حزب چگونه بود را به بهترین نحو ممکن و برای کسانی که به قول ایشان نشان قد نمیدهد بیان کند و تاریخ کتبی و شفاهی آنرا در اختیار نسل جدید قرار دهد.

نادیده گرفتن و به حاشیه راندن پروسه شکل گیری حزب کمونیست ایران، بخوبی به روند سخنرانی علیزاده کمک می کند تا حقایق این تاریخ را به نحو مطلوبی کتمان و پرده پوشی کند.

این متد و روشی در پنهان و سانسور نمودن تاریخ و پروسه شکل گیری حزب کمونیست ایران است که ابراهیم علیزاده با غیرمهم خواندن آن می خواهد اذهان را به سمت دیگری بکشاند.

خاصیت بی اهمیت جلوه دادن این تاریخ برای ابراهیم علیزاده این است که مخاطبین تازه به سن رسیده ایشان، زیاده از حد برای پی بردن به این حقیقت که ساختن این حزب کار چه کسی بوده کنجکاو نباشند وگرنه آنچه را که در این سخنرانی بیان کرده است، دود میشود و به هوا خواهد رفت.

اما اجازه بدهید من هم قبل از هر چیز حتی اگر شده بصورت تیتتر وار به پایه های واقعی و زمینه شکل گیری حزب کمونیست ایران اشاره کنم.

منصور حکمت با نظرات روشن و تئوری ساختن حزب، تحلیل و بررسی اوضاع سیاسی، طبقاتی و اجتماعی، بیرون کشیدن کل چپ آن دوره از آشفستگی های تئوری و نظری و در دسترس قرار دادن حزب سیاسی برای طبقه

سنگسار، اعدام، زندان: رژیم اسلامی در وحشت از اعتراض مردم!

محاكمه میشوند؛ در اینترنت خبر ربودن منصور اسانلو توسط افراد ناشناس منتشر میشود. و البته در کنار این تلاش ها باید به زندانی کردن چندین دانشجوی پلی تکنیک در هفته های اخیر اشاره کرد و احکام صادره اخیر علیه فعالین سیاسی زن را برشمرد. و بالاخره، و شاید مهمتر از همه، به این لیست تلاش برای ایجاد جو و رعب باید به چندین ماه تهاجم هر روزه به زنان و جوانان تحت عنوان "مقابله با بی حجابی" تاکید گذاشت.

در پس این نمایش سبعمانه آدم کشی و قمه کشی و اسلام، اما، نه قدرت نمایی که وحشت رژیم اسلامی بر هر ناظر جدی مشهود است. اعتراضات سراسری و گسترده مردم علیه سهمیه بندی بنزین شاخص خوبی از درجه خشم و نفرت توده های وسیع مردم از حکومت اسلامی و آمادگی آنها برای اجرای این حکم خودشان است که: جمهوری اسلامی باید برود! رژیم اینرا بخوبی میداند و در واقع دست به "حمله پیشگیرانه" زده است. هر آنچه که از اعدام و سنگسار و زندان و چماق علیه زنان و جوانان در آستین دارد را رو کرده است تا جامعه مرعوب شود. ولی جامعه فی الحال نشان داده که از این حد گذشته است. این وحشی گریها تنها موجب میشود گور این رژیم عمیق تر شود. نگاهی به تحولات پس از ۱۶ آذر و هو شدن احمدی نژاد توسط دانشجویان حکایت از این دارد که علیرغم همه تلاش های رژیم برای مهار اوضاع جنبش اعتراضی و

مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ تیر ۱۳۸۶، ۱۰ جولای ۲۰۰۷

از سایت های
حزب کمونیست کارگری ایران
دیدن کنید

www.wpiran.org
www.rowzane.com

به
حزب کمونیست کارگری ایران
پیوندید

تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران . . .

از صفحه ۲

کارگر، از پایه گذاران و معماران حزب کمونیست ایران بود و نه تنها این بلکه منصور حکمت تا مقطع جدا شدن از این حزب، خط و افق ناظر و حاکم بر این حزب و سازمان کردستان آن را نیز ترسیم نمود.

منصور حکمت تلاش کرد و توانست تا با اهداف، برنامه، سیاست و جهت گیری های روشن، کومه له و حزب کمونیست ایران را در میان جامعه محبوب با اتوریته و قابل اعتماد کند. اگر اعتبار و اتوریته ای برای حزب کمونیست ایران و کومه له متصور است، تنها متعلق به این دوره است. سیاستی که میدان مانور را برای ناسیونالیسم کرد در کردستان و در درون کومه له مسدود کرد و کارگر را در محور موضوع کار خود قرار داد. سیاستی که قاطعانه از کمونیسم و مارکسیسم انقلابی برای سیر پیشروی جنبش کمونیستی و کارگری در عرصه مبارزه طبقاتی دفاع کرد، راه نشان داد و همزمان در مقابل ناسیونالیسم و پوپولیسم ایستاد. افق و سیاستی که بارقه های آنرا امروز در جنبشهای اجتماعی بویژه در کردستان که "حیطه فعالیت مورد ادعای" کومه له است می توان دید

اما بینیم حکمت این ارزیابی از حزب کمونیست ایران در این مقطع چیست.

واقعیت امر این است که پیشتر یعنی بعد از بقدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق توسط آمریکا بود که باند زحمتکشان، (مهدتی - ایلخانی) آب از لب و لوجه شان سرازیر شد و تلاش کردند تا از اعتبار و اتوریته کومه له که در دوران منصور حکمت کسب و تامين شده بود خود را به نان و نوایی برسانند. اکنون و بار دیگر پس مانده های این گرایش ناسیونالیستی در حزب کمونیست ایران دوباره سر بلند کرده و از بی خاصیت بودن حزب کمونیست ایران ندا سر می دهند. موضوعیت صحبت های ابراهیم علیزاده و ارزیابی او از حزب کمونیست ایران در واقع نوعی بخطر کردن تشکیلات در مقابل این تعرض ناسیونالیستی است.

منصور حکمت تلاش کرد و توانست تا با اهداف، برنامه، سیاست و جهت گیری های روشن، کومه له و حزب کمونیست ایران را در میان جامعه محبوب با اتوریته و قابل اعتماد کند. اگر اعتبار و اتوریته ای برای حزب کمونیست ایران و کومه له متصور است، تنها متعلق به این دوره است. سیاستی که میدان مانور را برای ناسیونالیسم کرد در کردستان و در درون کومه له مسدود کرد و کارگر را در محور موضوع کار خود قرار داد. سیاستی که قاطعانه از کمونیسم و مارکسیسم انقلابی برای سیر پیشروی جنبش کمونیستی و کارگری در عرصه مبارزه طبقاتی دفاع کرد، راه نشان داد و همزمان در مقابل ناسیونالیسم و پوپولیسم ایستاد. افق و سیاستی که بارقه های آنرا امروز در جنبشهای اجتماعی بویژه در کردستان که "حیطه فعالیت مورد ادعای" کومه له است می توان دید

اینجا به مقوله پیوستگی باز می گردم.

از نظر ابراهیم علیزاده، منصور حکمت و کسانی که با او رفتند و فعالیت خود را در حزب کمونیست کارگری ادامه دادند هیچ پیوستگی با آن تاریخ را ندارد.

نوشته ها و نوار سمینارهای منصور حکمت در افشای سازمان زحمتکشان و دادن رهنمود به ابراهیم علیزاده و رهبری حزب کمونیست ایران بود که در آن دوره سبب شد تا مهدتی نتواند همه موجودیت حزب کمونیست ایران و کومه له را دو دستی تقدیم بارگاه ناسیونالیسم کرد بکند. اگر قرار باشد کسی از پیوستگی به تاریخ سخنی به میان آورد، لازم نیست ثابت کند و نشان دهد که در درون آن حزب مانده است و ماندن و زمین گیر شدن خود در مقابل ناسیونالیسم

به تداوم بازداشت محمود صالحی و محاکمه کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج اعتراض کنیم

فعالین کارگری اولویت آن نبوده است، دست به اعتراض و تجمع بزند.

کارگران و مردم آزادیخواه

کسانی که امروز میخواهند فعالین و رهبران کارگری را به جرم عضویت در تشکل کارگری و جمع آوری کمک مالی به خانواده يك رهبر کارگری زندانی، به محاکمه بکشاند، در صورت سکوت ما، بی تردید به ما کارگران حتی اجازه نفس کشیدن در خانه هایمان را نیز نخواهند داد، باید متحدانه و متشکل در مقابل این سیاستها ایستاد، در این راستا ما از عموم مردم آزادیخواه، کارگران، تشکلهای و نهادهای کارگری در ایران و سراسر جهان میخواهیم تا به هر نحو ممکن دوشادوش هم و متحدانه به وضعیت موجود اعتراض کرده و اجازه ندهند ۱۳ نفر از فعالین و رهبران کارگری مورد محاکمه قرار گرفته و محمود صالحی در بدترین شرایط جسمانی همچنان در زندان بماند.

زنده یاد اول ماه مه

زنده یاد همبستگی کارگری

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۱۸/۴/۱۳۸۶
www.ettehade.com
k.ekhrjaji@gmail.com

شرایط جسمانی در زندان بسر می برد (مجمود صالحی) به محاکمه بکشاند، با سیاست فوق قرار است از این پس، بعد از به زندان افکندن فعالین و رهبران کارگری هیچکس اجازه کمک به معیشت همسر و فرزندان آنان را نیز نداشته باشد.

این شرم آورترین و ضد انسانی ترین شیوه برخورد به طبقه کارگر است. نباید در مقابل چنین وضعیتی و وارد کردن اتهاماتی از قبیل اقدام علیه امنیت ملی و... برای خانه نشین کردن فعالین و رهبران کارگری ساکت نشست، نباید اجازه داد ابتدائی ترین حقوق انسانی ما کارگران بیش از این لگدمال شود.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با محکوم کردن تداوم بازداشت محمود صالحی و محاکمه کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی از زندان و لغو محاکمه و تبرئه ی بدون قید و شرط کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندج است و حق خود میدانند تا در صورت

تداوم سیاستهای تاکنونی، که بویژه از اوایل امسال زندگی کارگران را بیش از پیش به تباهی کشانده و چیزی جز اعمال محدودیت هر چه بیشتر بر رهبران و

کارگران، مردم آزادیخواه نوزدهم تیر ماه قرار است یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه سندج به نامهای خالد سواری - اقبال لطیفی - یدالله مرادی - طیب ملائی - فارس گویلیان - صدیق امجدی - عباس اندریاری - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجبی - طیب چتانی و صدیق صبحانی را به اتهام واهی اخلال در نظم عمومی به محاکمه بکشاند. همچنین طبق ابلاغیه ای که به شیت امانی و صدیق کریمی داده شده است، آنان نیز باید روز شنبه مورخه ۱۳۸۶/۴/۲۳ دادگاه شهر سندج حاضر شده و مورد محاکمه قرار بگیرند. به صدیق کریمی و شیت امانی علاوه بر اتهام اخلال در نظم عمومی، اتهامات دیگری نیز از قبیل اقدام علیه امنیت ملی، جمع آوری کمک مالی برای خانواده محمود صالحی، عضویت در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار، سابقه همکاری با کمیته پیگیری و ارتباط با احزاب اپوزوسیون و... نیز وارد کرده اند.

قرار است رهبران کارگری را به جرم عضویت در تشکل کارگری و جمع آوری کمک مالی برای انسانی که بدلیل اقدام به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و در بدترین

درون سازمانش را اینگونه توضیح دهد.

منصور حکمت بعد از جدا شدن از حزب کمونیست ایران، این حزب را پاسخگوی مسائل متعدد دنیای آن دوره نمیدانست. او رفت و حزب دیگری ساخت اما از ابراهیم علیزاده و رهبری حزب کمونیست ایران مسئولانه تر نسبت به سرنوشت حزب کمونیست ایران و کومه له، در مقابل گردن کشی سازمان زحمتکشان برخورد کرد و تاثیرات قابل ملاحظه ای هم بر سرنوشت و آینده آن گذاشت. مستمعین ابراهیم علیزاده باید با چنین تصویری از پیوستگی در تاریخ آشنایی پیدا کنند. حقایق تاریخی را باید در

کومه له متصور است مربوط به اتخاذ این افق و این سیاستها در آن دوره معین است. انکار و وارونه جلوه دادن این تاریخ و این حقایق شاید در لفظ و بیان کار ساده و بی دردمی باشد اما بریستر عملی مبارزه امروز حداقل در جامعه کردستان، کار ساده ای نیست و اوضاع واقعی خلاف این را نشان می دهد.

اگر به عملکرد حزب کمونیست ایران نیز نگاه کنیم به روشنی میتوان دید که رهبری حزب کمونیست ایران ناتوان از این بوده است که از سالهای ۹۱ به این سو از نظر تحركات اجتماعی و طبقاتی قدمی حزب را به جلو ببرد و به قول خود

گزارشی از گلگشت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار



دیروز جمعه ۱۳۸۶ / ۴ / ۱۵ گلگشت تابستانی اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار با شرکت بیش از دویست و پنجاه نفر از اعضا اتحادیه، خانواده هایشان و جمعی از کارگرانی که در همین گلگشت به عضویت اتحادیه در آمدند برگزار شد. این گلگشتهای که از اواخر بهار در دستور کار اتحادیه قرار گرفته است بمثابة مجمعی از اعضای اتحادیه می باشد که در آنها حول مسائل اتحادیه به بحث و تبادل نظر پرداخته شده و تصمیمات لازم با شرکت و دخالت اعضا گرفته میشود.

مراسم رسمی در این گلگشت حدود ساعت ده صبح با اعلام برنامه و سخنرانی هادی زارعی شروع و پس از آن طبق برنامه صدیق کریمی، حسن زارعی، جعفر عظیم زاده و حسین قادری از مسئولین اتحادیه در مورد مسائل مربوط به اتحادیه و جنبش کارگری

سخنرانی کردند. سپس از داوطلبین شرکت کننده در گلگشت برای سخنرانی دعوت بعمل آمد که آقایان و خانمها فرامرز قربانی، پروین ذبیحی، سیما ابراهیمی و..... به سخنرانی پرداختند. در پایان مراسم رسمی در جلسه پرسش و پاسخ، جعفر عظیم زاده به سوالات مطرح شده از طرف برخی از شرکت کنندگان در گلگشت پاسخ داد.

در این گلگشت سخنرانان به تشریح موقعیت طبقه کارگر و تعرض روز افزون صاحبان سرمایه به ابتدائی ترین حقوق انسانی کارگران، موقعیت اتحادیه و الویتهای پیش روی آن پرداخته و همه آنان بر ضرورت تشکیل یابی کارگران و حق مسلم آنان در متشکل شدن در اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و همچنین پاسخ عملی اتحادیه به نیازهای روزمره کارگران برای احقاق

حقوقشان انگشت گذاشته و بر پیشرفت روز افزون امور اتحادیه تاکید کردند.

در این گلگشت همه شرکت کنندگان به ضرورت اعتراض عملی به تداوم زندانی شدن محمود صالحی و محاکمه کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سندانج تاکید کردند که حاصل آن صدور قطعنامه ای به اتفاق آرا از طرف شرکت کنندگان در مراسم شد که مقرر گردید به رئیس قوه قضائیه و برخی نهادهای دیگر ارسال گردد.

همچنین در این گلگشت مبلغ چهار میلیون ریال از شرکت کنندگان برای تامین هزینه های گلگشت جمع آوری شد.

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ۱۳۸۶/۴/۱۶

www.ettehade.com

k.ekhraji@gmail.com

تاریخ تشکیل حزب کمونیست ایران . . .

از صفحه ۳

ایشان تداوم تاریخی حزب کمونیست ایران را حفظ کنند. آنها خود را میراث دار یک تاریخ معین میدانند اما فراموش میکنند که این دوره و کوهی از ادبیات کمونیستی، بحثهای شوروی، سایست سازماندهی کارگری، برنامه و اهداف، پای هر کدام از آنها اسامی صاحبان این خط ثبت شده است. ابراهیم علیزاده در حالی خود را صاحب این خط میخواند که ۱۶ سال است کوچکترین تعهد عملی نسبت به آنرا در دستور نداشته است اما امروز و تحت فشار گرایش ناسیونالیستی درون این حزب، دارد با رجوع به این تاریخ آنرا وارونه به تصویر می کشد. رجوع ابراهیم علیزاده به این تاریخ و برای تعیین تکلیف با گرایش ناسیونالیستی درون حزب، قطعاً تلاشی مثبت است و تنها با بدست گرفتن و به پراتیک در آوردن و تداوم بخشیدن به آن تاریخ است که میتواند این میدان را بر ناسیونالیسم درون حزب کمونیست ایران و کومه له تنگ و تنگ تر نماید. اما باید این را هم در نظر داشته باشد که با این متد از ارزیابی و وارونه جلو دادن این تاریخ، چنین تلاشی برای عقب زدن ناسیونالیسم به ثمر نخواهد رسید.

برای جریانی که ۱۶ سال است در گوشه اردوگاه هایش لمبیده و از نزدیک و در فاصله چند کیلومتری همان اردوگاه کارگران شرکت سیمان تاسلوچه را به رگیار می بندند، زنان را ترور می کنند و آنرا مسئله اولویت دار خود نمی داند، معلوم است که نماینده چه سنت و چه جنبشی در حاشیه کوه ها است. مسئله کاملاً بر عکس است، این ابراهیم علیزاده و رهبری فعلی حزب کمونیست ایران هستند که نسبت به افق و اهداف این تاریخ بی تفاوت بوده و هستند. اگر آنها عملاً و در جریان پراتیک خود را صاحب این تاریخ و این افق و اهداف می دانستند، گرایش ناسیونالیست بی افق و در مانده در این حزب از سر و کول آن بالا نمی رفت و توان باج خواهی نمی داشت.

متأسفانه ۱۶ سال است که حزب کمونیست ایران از آن خط فاصله گرفته است و از وجود یک گرایش قوی ناسیونالیستی در صفوف خود رنج میبرد. اگر قرار است چیزی تغییر کند تعیین تکلیف کردن با این گرایش است. * * *

آن می ایستند. کمیته کردستان حزب ضمن ابراز تأسف و تسلیت به خانواده فرد جانباخته و حمایت از خواست مردم برای برچیدن بساط سهمیه و گران کردن بنزین، از مردم مهیاد می خواهد که تا لغو کامل سهمیه بندی بنزین نسبت به این طرح و این سیاست رژیم اعتراض خود را

یکی از اهالی جان باخت. مردم مهیاد با به خطر افتادن زندگی اقتصادی شان همچون مردم سایر شهرهای ایران، سهمیه بندی بنزین را در ادامه سیاست ضد مردمی رژیم نسبت به سطح معیشت خود می دانند و در مقابل

متحدانه گسترش دهند. این سیاست ضد انسانی است و باید پس گرفته شود.

با خواست لغو طرح سهمیه بندی و با شعار افزایش قیمتتها موقوف اعتراض علیه جمهوری اسلامی را گسترش دهیم.

تظاهرات مردم مهیاد علیه سهمیه بندی بنزین

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری: ادامه تلاش برای آزادی محمود صالحی



محمود صالحی

در ۱۸ آوریل ۲۰۰۷ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) در اعتراض به بازداشت های متعدد فعالان اتحادیه ای و نگرانی از اینکه آقای صالحی به خاطر زندانی بودن از مراقبت های لازم پزشکی که به علت بیماری کلیوی بدان نیاز دارد محروم خواهد بود نامه ای به رئیس جمهور ایران نوشت. هیچ پاسخی از جانب مقامات ایرانی به آی تی یو سی داده نشد. در این حال خانواده صالحی، وکیل مدافع او و پشتیبانانش در تلاش بودند آزادی موقتی برای صالحی به دست آورند تا او بتواند بیرون از زندان از کمک های پزشکی برخوردار شود. دفتر دادستانی سقز به مرخصی موقت او در ۲۲ ماه مه ۲۰۰۷ موافقت کرد اما رئیس زندان سنندج و دفتر دادستانی سنندج این موافقت را رد کردند و تصمیم در این باره را به شورای زندان واگذار نمودند - این بدان معنی بود که دست کم تا یک ماه دیگر تصمیمی گرفته نخواهد شد.

در ۲۸ ماه مه ۲۰۰۷ صالحی به همسرش خانم نجیبه صالح زاده اطلاع داد که وضعیت سلامت او رو به وخامت است و خطر مرگ را در پی دارد (درد فوق العاده شدید کلیوی و افت فشار خون) و خواهان پاسخی فوری برای حل مشکل سلامت خود شد.

در ۳۱ ماه مه ۲۰۰۷ کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) در نامه ای به مدیر کل سازمان بین المللی کار (ILO) از او خواست در این زمینه دخالت کند. مدیر عامل معیارها و اصول و حقوق بنیادی در بخش کار فوراً دخالت کرد و شخصاً با هیأت نمایندگی دولت ایران در کنفرانس بین المللی کار وارد تماس

نظر کردستان در مورد پرونده او به نتیجه نهائی رسیده و او را به یک سال زندان «قطعی» و سه سال زندان تعلیقی محکوم کرده است. صالحی در جا باز داشت شد و مانع این شدند که از حق خود برای اطلاع دادن به وکیل و بستگانش استفاده کند.

از این رو صالحی به این حکم اعتراض و از امضای آن امتناع کرد. پس از هشدار همکاران و بستگان صالحی به مقامات مبنی بر اینکه به شهروندان سقز فراخوان اعتراض داده خواهد شد به صالحی اجازه دادند با خانواده اش تماس تلفنی بگیرد. از این طریق بود که بستگانش فهمیدند که او قرار است به سنندج مرکز استان کردستان (که ۱۴۰ کیلو متر از سقز فاصله دارد) انتقال یابد. صالحی اکنون در زندان مرکزی شهر سنندج به سر می برد.

حمله به تجمع کارگران در حمایت از صالحی

در ۱۶ آوریل ۲۰۰۷، نیروهای امنیتی تجمع ده ها تن از کارگران و فعالان کارگری را - اکثراً کارگران خباز شهر سقز - که در مقابل محل کار آقای صالحی (تعاونی مصرف کارگران سقز) برای حمایت از آزادی او گرد آمده بودند با خشونت پراکنده کردند. نیروهای امنیتی یونیفورم پوش و لباس شخصی ها با چماق و اسپری گاز به کارگران حمله کردند؛ چندین کارگر زخمی شدند. جلال حسینی و محمد عبدیپور به دفتر دادستان احضار گردیدند تا از شرکت شان در این گردهمایی جلوگیری شود. عبدی پور که در نوامبر ۲۰۰۶ از همه اتهامات تبرئه شده بود تا پایان این گردهمایی در دفتر دادستان در حال بازداشت بود و به جلال حسینی که در ۱۱ نوامبر ۲۰۰۶ به دو سال زندان تعلیقی محکوم شده بود هشدار داده شد که به علت محکومیتش تحت هیچ شرایطی نمی تواند در گردهمایی شرکت کند. گزارش داده شده که سامرند صالحی پسر ۱۷ ساله محمود صالحی در این گردهمایی دستگیر شد. نیروهای امنیتی دفترهای تعاونی مصرف کارگران را بستند.

شرایط زندان صالحی

۷، در مرخصی است. آقای شریف طبق مقررات به منشی دادگاه حضور خود و موکلانش را اطلاع داد و گفت «به دلیل عدم حضور رئیس دادگاه» قصد دارند دادگاه را ترك کنند. اما منشی دادگاه از آنان خواست صبر کنند تا او به رئیس دادگاه اطلاع دهد. پس از یک ساعت به آنان گفته شد که استماع «سخنان وکیل و متهمان» صورت خواهد گرفت و استماع در ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه با ریاست قاضی صادقی انجام شد.

در زمان نخستین محاکمه هفت نفر در سقز در ماه مه ۲۰۰۴، آقای صادقی دادستان شهر سقز بود و از این رو حکم دستگیری ۷ فعال اتحادیه ای (صالحی، حسینی، حکیمی، برهان دیوارگر، محمد ادیب پور، هادی تنومند و اسماعیل خودکام) را در ماه مارس (مه- مترجم) ۲۰۰۴ او امضا کرده بود. در محاکمه دوم که در ماه اکتبر ۲۰۰۶ در دادگاه انقلاب سقز برگزار شد، قاضی صادقی رئیس دادگستری سقز بود. قاضی ای که صالحی و همکاران او را در آن دادرسی محاکمه کرد دادیاری به نام آقای شایق بود و حکم دادگاه تنها پس از تأیید آقای صادقی رسمیت پیدا می کرد. بنا بر این، صالحی، حسینی و حکیمی در دادگاه تجدید نظر به وسیله همان کسی محاکمه شدند که دستور بازداشت نخستین آنان را داده و حکم دادگاه دوشان را در نوامبر ۲۰۰۶ تأیید کرده بود.

روز ۱۱ مارس هیچ حکم رسمی ای صادر نشد و نتیجه دادرسی به محاکمه شوندهگان و وکیل مدافع آنها اعلام نگردید.

در ۹ آوریل ۲۰۰۷، حدود ساعت ۱ بعد از ظهر، یک مأمور امنیتی سقز به دفتر همبستگی اتحادیه کارگران خباز (تعاونی) نزد صالحی رفت. آن مأمور از صالحی خواست در دفتر دادستان حضور یابد تا در باره موضوعات مربوط به برگزاری مراسم اول ماه مه (۲۰۰۷) با فرماندار و دادستان شهر سقز بحثی صورت گیرد. به محض ورود صالحی به دفتر رئیس دادگاه به او اطلاع داده شد که دادگاه تجدید

آقای خوان سومایوی
مدیر کل سازمان بین المللی کار (ILO)
خیابان موریون، شماره ۴
۱۱۲۱ ژنو، سوئیس

۴ ژوئیه ۲۰۰۷

HTUR
/MT

آزادی تشکیل: جمهوری اسلامی ایران (پرونده شماره ۲۳۲۳، کمیته آزادی تشکیل)

آقای سومایوی عزیز

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری به دنبال نامه مورخ ۴ دسامبر ۲۰۰۶ خود مایل است اطلاعات دیگری به شکایت خود از دولت جمهوری اسلامی ایران (پرونده شماره ۲۳۲۳، کمیته آزادی تشکیل) بیافزاید.

اعمال خلاف قانون در محاکمه دادگاه تجدید نظر و زندانی کردن مجدد محمود صالحی

پس از اعلام حکم دادگاه در نوامبر ۲۰۰۶، وکیل مدافع محمود صالحی تقاضای تجدید نظر کرد و آخرین محاکمه او در ۱۱ مارس ۲۰۰۷ در روند قضائی ای صورت گرفت که ناقض معیارهای ابتدائی محاکمه ای عادلانه بود: آنان در دادگاه تجدید نظریه وسیله همان کسی محاکمه شدند که در زمان دستگیری نخستین شان در ماه مه سال ۲۰۰۴ دادستان بود و حکم دادگاه دوشان در نوامبر ۲۰۰۶ را تأیید کرده بود.

محمود صالحی، جلال حسینی و محسن حکیمی همراه با وکیل مدافع خود آقای محمد شریف، مطابق احضاریه دادگاه، ساعت ۹ صبح روز ۱۱ مارس ۲۰۰۷ در دادگاه تجدید نظر استان کردستان حضور یافتند. پس از مدتی تأخیر به آقای شریف گفته شد که آقای محمد مستوفی، رئیس دادگاه بخش

در نامه ای خطاب به دبیر کل سازمان بین المللی کار که چهارشنبه گذشته منتشر شد، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری نگرانی خود را از وضعیت جسمی محمود صالحی در زندان ابراز داشت و از «خوان سومایوی» خواست تا در زمینه شکایت از جمهوری اسلامی اقدام نماید. در این نامه ضمن گزارش مشروحی از اقدامات ضد کارگری جمهوری اسلامی آمده است:

"کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) عمیقاً نگران این است که ممانعت از کمک های پزشکی شایسته به آقای محمود صالحی تلاشی از جانب سرویس های اطلاعاتی ایران برای اعمال فشار بر او به منظور توقف فعالیت های اتحادیه ای او است و نیز به خاطر اینکه جان او در خطر است. بنا بر این کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) از شما تقاضا دارد این نامه را به عنوان اطلاعات تکمیلی شکایت آی تی یو سی از دولت جمهوری اسلامی ایران» به کمیته آزادی تشکیل منتقل نماید."

حزب کمونیست کارگری خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط محمود صالحی و منع تعقیب فعالین و رهبران کارگری است و دست همه کسانی که در این راه تلاش میکنند را به گرمی میفشارد. ترجمه متن کامل نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری که توسط "اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران" ترجمه و تکثیر شده است را در زیر ملاحظه میکنید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ تیر ۱۳۸۶، ۸ جولای ۲۰۰۷

نامه کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) به دبیر کل سازمان بین المللی کار

شاران بورو - صدر

گای رایبر - دبیر کل

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری . . .

مقامات به او اجازه ملاقات ندادند. به آقای شریف اطلاع داده شد از آنجا که حکم پرونده صالحی حکم نهائی است وکیل دیگر هیچ حق دخالتی در طول دوره حبس ندارد. اعضای خانواده صالحی نیز حق ملاقات با او را ندارند و تنها می توانند با او تماس تلفنی داشته باشند.

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) عمیقاً نگران این است که ممانعت از کمک های پزشکی شایسته به آقای محمود صالحی تلاشی از جانب سرویس های اطلاعاتی ایران برای

زندان باز گردانده شد. طبق اطلاعات کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) هنوز از به رغم وضع وخیم سلامت از کمک های پزشکی شایسته برخوردار نیست: آقای صالحی دچار مشکلات قلبی و روده ای شده و قادر به ایستادن بر پاهای خود نیست. در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۷ آقای محمد شریف (وکیل آقای صالحی) توانست با او در زندان ملاقات کند

آنان درخواست شده بود صالحی را به زندان سقر منتقل کنند گفتند اختیار چنین کاری ندارند. از نظر پزشک آقای صالحی (در نامه ای که در تاریخ ۳۱ ماه مه ۲۰۰۷ با دست به مقامات زندان داده شده) آقای صالحی را نمی توان در زندان معالجه کرد. حتی پزشک زندان به صالحی اطلاع داد که هیچ کاری در مورد او نمی توان کرد مگر اینکه او به پزشک متخصص دسترسی داشته باشد.

شد و از آنان دعوت کرد همه اقدامات ممکن را برای تضمین آزادی صالحی به عمل آورند. در ۵ ژوئن ۲۰۰۷ خانم نجیبه صالح زاده به کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های کارگری (آی تی یو سی) نامه ای نوشت که حاوی جزئیات بیشتری در باره وضعیت آقای صالحی در زندان بود. در حالی که وضع سلامت صالحی پیوسته بدتر می شد تلاش های خانواده او برای انتقالش به بیمارستان به منظور مداوای او توسط پزشک متخصص بیماری های کلیوی با تعویق و امتناع مقامات روبرو می شد و چندین مقام که از

در ۱۷ ژوئن آقای صالحی تحت مراقبت شدید نیروهای امنیتی به بیمارستان توحید سنجند انتقال یافت و پس از معاینه پزشکی به

تشکل منتقل نمائید. ارادتمند، دبیر کل

ترجمه و تکثیر: اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
or alliance@workers-iran.org, info@workers-iran.org
www.workers-iran.org
<http://www.etehadbinalmelafi.com/INDEXI.htm>

لقمان مهری به ۵ سال زندان محکوم شد

اختصاصی وبلاگ کارگر:

حکم ۵ سال زندان برای یکی دیگر از بازداشت شدگان اول ماه می سال ۱۳۸۴ شهر سقر از طرف دیوان عالی کشور تایید شد.

بنا به اخبار رسیده حکم ۵ سال زندان لقمان مهری یکی دیگر از بازداشت شدگان مراسم اول ماه می (روز جهانی کارگر) در سال ۱۳۸۴ در شهر سقر از طرف دیوان عالی کشور تایید شده است. ایشان تا ساعت ۱۲ امروز (۱۸ تیر) وقت دارند برای اجرای حکم خود را معرفی کند. لازم به ذکر است محمود صالحی یکی دیگر از بازداشتی های اول ماه می ۸۴ سقر اکنون دوران يك سال محکومیت خویش را در زندان سنجند می گذراند.



بازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در سنجند محاکمه شدند

نظم عمومی از سوی قاضی دادگاه، خواهان تبرئه بی قید و شرط کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنجند و محاکمه عاملین و آمرین حمله به مراسم روز جهانی کارگر در این شهر می باشد. همانطور که این کارگران نیز در دادگاه اعلام کردند بر پای مراسم اول ماه مه حق مسلم ما کارگران است و ما کارگران هر ساله قدرتمندتر از سال پیش اقدام به برگزاری مراسم اول ماه مه خواهیم کرد.

اسامی کارگرانی که روز سه شنبه در دادگاه حضور داشتند به شرح زیر است: خالد سواری - اقبال لطیفی - یدالله مرادی - طیب ملائی - فارس گویلیان - صدیق امجدی - حبیب الله کلکانی - محی الدین رجبی - طیب چستانی و صدیق صبحانی

مجاز نخواهیم داد بلکه می گفتند بروید دو - سه روز دیگر بیائید و تا روز اول ماه مه به این برخورد خود ادامه داده و اعلام نکردند که مجوز نمیدهیم، از این رو بنا بر حق مسلم ما برای برپایی مراسم روز جهانی کارگر، مراسم خود را برگزار کردیم و این نیروهای انتظامی و امنیتی بودند که به جای تامین امنیت ما اقدام به برهم زدن مراسم ما کردند. کارگران همچنین اعلام کردند که ما در سال آینده نیز مراسم خود را بر گزار خواهیم کرد.

به دنبال دفاعیه های کارگران که همگی با هم در اتاق قاضی بودند در ساعت ۳۰/۹ محاکمه پایان پذیرفت و منشی قاضی به کارگران اعلام کرد ظرف بیست روز آینده حکم دادگاه به درب خانه های آنان فرستاده خواهد شد.

روز سه شنبه مورخه ۱۳۸۶/۴/۱۹ یازده نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه امسال در شهر سنجند به اتهام تجمع غیر قانونی و اخلاف در نظم عمومی در شعبه ۱۰۴ جزایی دادگاه عمومی میدان بسیج این شهر مورد محاکمه قرار گرفتند. در طول محاکمه این کارگران که از ساعت ۸ صبح شروع و در ساعت ۳۰/۹ خاتمه یافت، جمع زیادی از خانواده های کارگری، اعضای اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار و کارگرانی از کارخانه های شاهو و نساجی کردستان در مقابل دادگاه حضور داشته و روند دادگاه را پیگیری میکردند.

قاضی دادگاه بر غیر قانونی بودن برگزاری مراسم در اول ماه مه تاکید داشت و کارگران نیز اعلام کردند که اول ماه مه روز ما کارگران است و ما حق داریم در این روز مراسم خود را بر پا کنیم در عین حال که ما حدود دو هفته قبل از مراسم، از فرمانداری در خواست مجوز کرده و رونوشت آنرا به اداره کار، نیروی انتظامی و اداره اطلاعات داده بودیم اما هر بار برای پاسخ گرفتن به فرمانداری مراجعه میکردیم به ما نمی گفتند به شما

زنده باد اول ماه مه
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار ۱۹/۴/۱۳۸۶
www.etehade.com

k.khrajji@gmail.com

اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار ضمن محکوم کردن محاکمه کارگران به جرم شرکت در مراسم اول ماه مه و تعلق آن به عنوان تجمع غیر قانونی و اخلاف در

به ایسکرا کمک مالی کنید

قطعنامه مصوب گلگشت اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار



محمود صالحی
فعال اول مه سفر،
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود!

محمود صالحی
Mahmood Salehi

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

مراسم اول ماه مه سنندج هیچ جرمی مرتکب نشده و بنا بر حقوق انسانی خود اقدام به برگزاری و یا شرکت در مراسم اول ماه مه کرده اند لذا ما مصرانه خواهان تحقق فوری مصوبه های این قطعنامه به شرح زیر می باشیم:

۱- محمود صالحی باید فوراً و بی قید و شرط از زندان آزاد شده و تحت درمان قرار گیرد
۲- محاکمه ۱۱ نفر از کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه مه سنندج در نوزدهم تیر ماه باید لغو و از همه آنان بدون قید و شرط رفع اتهام شود

۳- محاکمه شیث امانی و صدیق کریمی در روز بیست سوم تیر ماه باید لغو و از آنان بدون قید و شرط رفع اتهام

برگزاری مراسم اول ماه مه حق مسلم ما کارگران است، محمود صالحی و کارگران شرکت کننده در

در باره تداوم بازداشت محمود صالحی و محاکمه کارگران بازداشت شده در مراسم اول ماه سنندج

چنانچه به خواست های مصوب این قطعنامه رسیدگی نشود ما در راستای جلب توجه افکار عمومی به مطالبات خود، دست به تجمع اعتراضی خواهیم زد .

شود
۴- عاملین و آمرین حمله به مراسم اول ماه مه سنندج بایستی محاکمه و کلیه اسناد اتحادیه سراسری کارگران اخراجی و بیکار که توسط نیروهای امنیتی ضبط شده است به این اتحادیه بازگردانده شود

بدیهی است که ما کارگران تجمع اعتراضی را برای رسیدن به خواسته هایمان حق مسلم خود می دانیم و

شرکت کنندگان در گلگشت
اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار
۱۵/۴/۱۳۸۶

کارگران شاهر در روز
۱۶/۴/۱۳۸۶ دست به
اعتصاب زدند

کارگران کارخانه شاهر در اعتراض به عدم پرداخت مابه التفاوت ۱۲ ماه از دستمزدهایشان و همچنین عدم پرداخت دستمزد خرداد ماه خود، از ساعت ۸ صبح مورخه ۱۶/۴/۸۶ دست به اعتصاب زدند. بدنبال این اعتصاب مدیر کارخانه در میان کارگران حاضر شد و طی مذاکراتی که بعمل آمد توافق شد تا دستمزد خرداد ماه کارگران پرداخت شود و در رابطه با مابه التفاوت ۱۲ ماه از دستمزدهای کارگران نیز مقرر گردید روز دوشنبه مورخه ۱۸/۴/۸۶ صاحب کارخانه به جمع کارگران بیاید تا در باره پرداخت مابه التفاوت ۱۲ ماه از دستمزدهای کارگران صحبت و توافق شود. با توافقی که بعمل آمد کارگران حدود ساعت ۱۲ ظهر به اعتصاب خود پایان داده و بر سرکارهایشان باز گشتند.

اتحادیه سراسری کارگران
اخراجی و بیکار
۱۷/۴/۱۳۸۶
www.ettehade.com
k.ekhraji@gmail.com

کانال جدید بزودی شروع به کار خواهد کرد

به اطلاع میرسانیم که کانال جدید بزودی برنامه های ۲۴ ساعته خود را بر روی ماهواره هات برد 8 شروع خواهد کرد. مشخصات فنی کانال جدید به این شرح است:

ماهواره هات برد ۸
فرکانس ۱۲۳۰۳ مگاهرتز
سیمبل ریت ۲۷۵۰۰
اف ای سی ۳/۴
پلاریزاسیون عمودی (Vertical)

این آگهی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید.
آگهی را در سطح شهر، در کارخانه و دانشگاه و مدرسه و هر جا میتوانید وسیعاً پخش کنید.

مدیریت کانال جدید
۱۰ ژوئیه ۲۰۰۷، ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶

کانال جدید:

آدرس سایت: <http://www.newchannel.tv>
آدرس تماس: kanaljadid@yahoo.com

برای خرید برنامه و یا پخش آگهی میتوانید با شماره زیر تماس بگیرید:
۰۰۴۴۷۹۴۶۷۵۲۵۳۴

جمهوری اسلامی مکره ابراهیمی و جعفر کیانی را سنگسار کرد! دنیا باید بربریت را شدیداً محکوم کند!

مردم مترقی جهان با بریائی اعتراضاتی موفق شدید جمهوری اسلامی را وادار به عقب نشینی بکنیم. اما اینبار جمهوری اسلامی در سکوت و مخفیانه مکره و جعفر را سنگسار کرد. طبق گزارش شاهد عینی ما، این مامورین بودند که سنگها را بر سر و صورت این دو پرتاب کردند. مامورین ابتدا چاله ای در تاکستان کنده و شایع کردند که سنگسار در تاکستان انجام می شود اما مخفیانه مکره و جعفر را به ده آبچنگ بردند و در آنجا آنها را بیرحمانه سنگسار کردند. خبرگزاری ت ت مرکز خبری در اسکاندیناوی به نقل از یک پزشک ایرانی ساکن نروژ از سنگسار جعفر



کیلومتری شمال تاکستان سنگسار کرد. در اواسط ماه ژوئن خبر قریب الوقوع سنگسار این دو به ما رسید. ما در کنار امنستیتی و دیگر سازمانها و گروه ها حقوق بشر و

بنا بر اخباری که یکی از شاهدین صحنه سنگسار برای ما ارسال کرده است، جمهوری اسلامی مکره ابراهیمی و دوستش جعفر کیانی را در ده آبچنگ در ۱۵

دنیا را فرا می خوانیم که این جنایت غیر انسانی را محکوم کند! بشریت متمن را فرا می خوانیم که در کنار ما فریاد اعتراض خود را بلند کند! مسببین این جنایت باید در دادگاه های بین المللی محاکمه شوند. سران جمهوری اسلامی باید پاسخگوی این جنایات باشند. ما ساکت نخواهیم نشست. دنیا را علیه سنگسار و احکام اعدام در ایران بسیج خواهیم کرد. افکار عمومی جهان با ماست و تا به حال از جنبش انسانی ما حمایت کرده است.

کمیته بین المللی علیه سنگسار
کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۰۰۷/۰۷/۰۹
تلفن: ۰۰۴۶۷۰۹۱۷۴۹

minaahadi@aol.com
www.adpi.net
manochermsajori@yahoo.com
۰۰۴۶۷۰۹۱۷۴۹

کیانی خبر می دهد. همچنین سایت عصر ایران گزارشی مبنی بر سنگسار جعفر دارد. مقامات قضایی جمهوری اسلامی در این مورد سکوت کرده اند. جمهوری اسلامی ایران نماد بربریت این عصر است. سنگسار این عمل وحشیانه تاریخ بربریت در سال ۲۰۰۷ در ایران توسط جمهوری اسلامی انجام می گیرد. کدام وجدان بیدار می تواند چشم بر این وحشی گری ببندد؟ کدام انسان که فقط ذره ای از انسانیت بویی برده باشد می تواند در برابر این گردن کشی حاکمان بربر اسلامی ایران، ساکت نشیند؟

صدای اعتراض خود را بلندتر کنید! فریادمان باید گوش جنایتکاران اسلامی حاکم بر ایران را کر کند! ماشین جنایت و آدمکشی قرون وسطائی باید متوقف گردد. ما

تجمعات امروز ۱۸ تیر بیپسوندند و به حکومت ضد بشر اسلامی، به فقر و گرانی اعتراض کنند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان امروز و همه زندانیان سیاسی بشوند.

زنده باد ۱۸ تیر
مرگ بر جمهوری اسلامی
سازمان جوانان کمونیست
۱۸ تیر ۹۶، ۹ جولای ۲۰۰۷

اخبار رسیده، تعداد زیادی از موتور سواران در سطح شهر تهران توسط نیروهای پلیس دستگیر شده اند و در کلانتری ۱۷۴ در بازداشت هستند. در اعتراض به این دستگیری ها خانواده های دستگیر شدگان در مقابل کلانتری تجمع کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط دستگیر شدگان هستند.

سازمان جوانان کمونیست از همه جوانان و مردم می خواهد به

اعتراضات مردم به مناسبت ۱۸ تیر در تهران

خبر ارسالی از خبرنگار سازمان جوانان کمونیست، خسرو جاهد دوشنبه ۱۸ تیر - ساعت ۱ بعد از ظهر

دانشجو کننده شد و به جای آن شهرستان های اطراف به تهران آمده اند که پلیس مانع پیوستن آنان به تجمعات مقابل دانشگاه می شود. همچنین مسئولین دانشگاه به بهانه قطع برق دانشگاه را تعطیل کرده اند. در همین رابطه اعلامیه ای به درب ورودی دانشگاه چسبانده شده بود که توسط یکی از دختران

اعتراضات ۱۸ تیر با اتوبوس از شهرستان های اطراف به تهران آمده اند که پلیس مانع پیوستن آنان به تجمعات مقابل دانشگاه می شود. همچنین مسئولین دانشگاه به بهانه قطع برق دانشگاه را تعطیل کرده اند. در همین رابطه اعلامیه ای به درب ورودی دانشگاه چسبانده شده بود که توسط یکی از دختران

طبق اعلام قبلی از صبح روز هجده تیر افراد زیادی در دانشگاه پلی تکنیک و روبرو و اطراف آن حضور پیدا کردند. از همان آغاز صبح حضور لباس شخصی ها و نیروهای رژیم بسیار مشهود است و تلاش می کنند از تجمع مردم معترض جلوگیری کنند. اما جمعیت مدام در حال آمد و شد است و مردم مترصد هستند که در هر لحظه ای که امکانپذیر باشد دست به تجمع بزنند. بنا به خبر در ساعات اولیه صبح ۸ نفر دستگیر شدند و همین یک ساعت پیش یعنی ساعت ۱۲ ظهر نیز دو نفر دیگر بازداشت شدند. اسامی تعدادی از بازداشت شدگان در این روز به شرح زیر است:

محمدحسین مهرزاد بهرام فیاضی، مجتبی بیات، مرتضی اصلاح چی، حبیب حاج حیدری، مسعود حبیبی سعید حسین نیا عبدالله مومنی و عزت قلندری.

تعدادی از مردم برای شرکت در

حکومت اسلامی از ترس گسترش اعتراضات مردمی در نقاط دیگر تهران نیز اقدام به دستگیری مردم کرده است، مطابق

زنده باد جنبش ۱۸ تیر!

۱۸ تیر

روز مرگ بر جمهوری اسلامی

روز آزادی و برابری

روز فریاد برای آزادی زندانیان سیاسی

روز "نه" به آپارتاید جنسی

روز اعتراض به محرومیت و فقر و بیکاری

روز اعتراض به خفان و سرکوب و شکنجه و اعدام

روز "نه" به حکومت مذهبی

حزب کمونیست کارگری ایران



مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!